

بررسی تطبیقی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در عراق نوین در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۵

فرامرز امجدیان^۱

اردشیر سنایی^۲

رضا جلالی^۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و آمریکا در ابعاد مختلف در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ در عراق نوین می باشد. قدرت نرم یکی از مؤلفه‌های تأثیر گذار در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود، و نظام بین الملل، بکارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی از ابزارهای تعیین کننده و تحقق اهداف ملی دولت‌ها محسوب می‌شود. ایران نیز سعی در صدور ارزش‌های سیاسی و فرهنگی خود در غالب قدرت نرم به کشور عراق دارد. در حال حاضر عراق از کشورهایی است که در خاورمیانه، جایگاه بسیار مهمی در سیاست خارجی ایران دارد، و سئوالی که در این پژوهش طرح می‌شود، از منظر قدرت نرم ایران و آمریکا چه تاثیری بر روندها و ساختارهای سیاسی دولت عراق در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ داشته اند؟ قدرت نرم در سیاست خارجی ایران از همسویی و همخوانی ایدئولوژی فرهنگی بیشتری با ارزش های جامعه عراق برخوردار بوده، و برای گسترش روابط با عراق از ظرفیت های قدرت نرم خود استفاده می‌کند. و این پژوهش با استفاده از نظریه قدرت نرم نای و رهیافت های آن، تلاش دارد ضمن بررسی و تبیین مولفه های قدرت نرم به مقایسه تطبیقی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، در کشور عراق بپردازد.

کلید واژه: قدرت نرم، سیاست خارجی، ایران، آمریکا، عراق نوین

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران ایران

^۲ استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران ایران

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

قدرت مهمترین مؤلفه تعیین کننده در سطح بین‌المللی می‌باشد و در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان آن را به دو بخش تقسیم کرد یکی نرم‌افزاری و دیگری سخت‌افزاری. قدرت سخت یک کشور نمونه‌ای از قدرت سخت‌افزاری آن در سطح بین‌المللی می‌باشد، این قدرت مبتنی بر تهدید است و از طریق تهدید و بر خلاف میل طرف مقابل، خواستار بدست آوردن نتایج مطلوب خود می‌باشد، این قدرت و جاهت خویش را از طریق زور و اجبار بدست می‌آورد. این مساله به دلیل اهمیت عینی و ملموس آن در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی در راستایی اجرای برنامه‌ها، خط مشی‌ها و تحقق اهداف ملی است. در واقع قدرت از قابلیت‌هایی چون توانایی تضمین امنیت، تغییر رفتار دیگران و دفع تهدید برخوردار است. سابقاً در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً در عناصر محسوس آن یعنی قدرت سخت را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گرفتند اما تحولات بین‌المللی و فروپاشی نظام دوقطبی و استقبال روزافزون قدرت‌های کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم، جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. یکی از نظریه پردازان روابط بین‌الملل در حوزه قدرت نرم، جوزف نای است، او تقسیم بندی سه گانه ای از قدرت را پیشنهاد می‌کند نظامی، اقتصادی و نرم. قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند و قدرت نرم از این حیث با آنها متفاوت است که مبتنی بر توانایی شکل دهی به دیگران می‌باشد، آن توانایی که تولید جذابیت می‌کند و منجر به فرمانبرداری می‌گردد. این در حالی است که قابلیت‌های اقتصادی، گاه به مثابه منبع قدرت سخت و گاه، به مثابه منبع قدرت نرم به کار گرفته شده است (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۰). اما امروزه به دلایلی نظیر حرکت بین‌الملل به سوی تحولات بین‌المللی، و اطلاعاتی، تحول سریع وسایل ارتباط جمعی، ناتوانی قدرت آشکار، توان نظامی و نیز حضور نهادهای بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل توزیع منابع قدرت در موضوع‌های مختلف بسیار تغییر کرده است. بر این اساس قدرت نرم، گفتمانی تازه برای تأمین ارزش‌های یک جامعه شکل داده و در نتیجه، چهاره‌ای تازه‌ای از قدرت، مطرح می‌شود که دو مشخصه آن عبارت از اجتماعی بودن یعنی قدرت نرم در شبکه‌ای از روابط بین‌الملل تعریف می‌شود و دوم هنجاری بودن و ارزش‌ها در تولید قدرت نرم نسبت به ابزارها به مراتب تاثیر گذار تر هستند (نای، ۱۳۸۹: ۴۱).

جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت های بالقوه ای است که طی چند سال اخیر به طور بالفعل نمایان گردیده و نتیجه آن چیزی جز افزایش نفوذ منطقه ای و بین المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا نبوده است. لذا کاهش قدرت نرم آمریکا به تبع افزایش قابلیت های نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان باعث گردیده که آمریکا به زعم خود تلاش نماید از تمامی امکانات خود برای کاهش قدرت و نفوذ ایران بهره برداری نماید.

جمهوری اسلامی با داشتن اشتراکات مذهبی، فرهنگی و سیاسی با کشورعراق، از قدرت نرم قابل توجهی در این کشور برخوردار بوده که این موضوع ایران را در راستایی پیگیری اهداف سیاست خارجی در آن کشور و همچنین در منطقه، توانمند ساخته است. پس از تشکیل حکومت نوین در عراق، دولت جمهوری اسلامی ایران رسماً از ایجاد عراقی باثبات، حمایت کرده است. اهمیت این کشور به دلیل فراهم کردن ظرفیت های فرصت سازی در سیاست خارجی ایران در سطح روابط با عراق، و روابط با قدرت های منطقه است (حجازی، ۱۳۸۷: ۹). پژوهش حاضر در پی مقایسه تطبیقی قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق نوین در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ از منظر نظریه جوزف نای می باشد. و سؤال اصلی که پژوهش در پی پاسخ گوی به آن می باشد این است که از دیدگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چه تاثیری بر روندها و ساختارهای سیاسی دولت عراق در سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ داشته اند؟ هدف پژوهش حاضر این است که منابع شکل دهنده قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از همسویی و همخوانی ایدئولوژی فرهنگی بیشتری با ارزش های جامعه عراق برخوردار بوده و در مقایسه با قدرت نرم ایالات متحده آمریکا که در غالب رویکردهای لیبرال و ترویج ارزش های آمریکایی ترجمه می شود از باورپذیری بیشتری در عراق بعد از ۲۰۰۳ تناسبات داشته است و قدرت نرم ایران در عقیق ساختن سیاست ها، منافع و اهداف راهبردی نرم آمریکا در عراق بعد از سقوط صدام موفق بوده است.

۱. پیشینه تحقیق

در خصوص، مؤلفه های قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق پژوهش هایی صورت گرفته است. لیکن پژوهش های انجام شده در این مورد به مقتضای موضوع و محتوای خود به گونه ای به بررسی جنبه های از این موضوع پرداخته اند. جنبه

نوآورانه این پژوهش این است که در حالی که سایر تحقیقات انجام گرفته صرفاً به موضوع قدرت نرم به صورت نظری و قدرت نرم در عرصه‌ی داخلی پرداخته‌اند این پژوهش در نظر دارد تا به مؤلفه‌ها و مقایسه تطبیقی قدرت نرم ایران و آمریکا در کشور عراق بپردازد. مهمترین آثار منتشرشده در رابطه با قدرت نرم آمریکا، توسط جوزف نای نگاشته شده است. با این حال وی در بیشتر آثار خود به خواستگاریها و منابع قدرت نرم در برتری ایالات متحده در دسترسی به این منابع و ناتوانی رقیبان در رقابت با آمریکا در حوزه قدرت نرم و آیند قدرت و رهبری آمریکا با تأکید بر مؤلفه قدرت نرم پرداخته است. آثار منتشرشده در زبان فارسی نیز بیشتر بسط مفهومی همین سرفصل‌ها بوده است. همچنین تبیین نقش قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا (طباطبایی و سیفی، ۱۳۹۱، کیوان حسینی، ۱۳۸۳، سعیدی، ۱۳۸۹، ریسی دزکی و درخشنده، ۱۳۹۴)، منبع شناسی قدرت نرم آمریکا (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰ و رفیع و قربی، ۱۳۸۹). و نگاه انتقادی به نظریه های جوزف نای (دلیرپور، ۱۳۹۱). برای نمونه در مقاله افول قدرت نرم آمریکا، شاخصه ها و مؤلفه ها، در مثالی دیگر، نویسندگان مقاله قدرت نرم و راهبرد هژمونیک گرایي آمریکا می کوشند با توجه به نقش آفرینی قدرت نرم آمریکا، با تمرکز بر دو عنصر قدرت نرم یعنی فناوری و فرهنگ، اثرگذاری این شکل از قدرت را در جهت پایداری سیستم هژمونیک مورد بررسی قرار می دهند (کتابی، یزدانی و رضایی، ۱۳۹۱). با این حال هیچ کدام از مطالعات انجام شده در حوزه قدرت نرم ایران و آمریکا و تاکنون به شکل بررسی تطبیقی قدرت نرم با توجه به مؤلفه های این قدرت، در دو کشور در سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ نپرداخته، از این منظر پژوهش حاضر، جدید و دارای نوآوری است که اتخاذ چهارچوب نظری مناسبی برای انجام آن ضرورت دارد.

۲. چهارچوب نظری و مفهومی پژوهش

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ میلادی در نشریه آتلانتیک مطرح نمود. نای اعتقاد دارد که قدرت مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره آن صحبت می کنند، اما عده کمی آن را درک می کنند. او موفقیت در سیاست های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است. قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می خواهید می باشد.

جوزف نای قدرت نرم را توانایی جذب کردن می داند که اغلب در نهایت به رضایت منجر می شود. برخلاف قدرت سخت که بیشتر مبتنی بر زور و تهدید و یا پاداش است، در قدرت نرم یک کشور به نتیجه مورد نظرش از طریق روش های غیر مستقیم دست می یابد. بر مبنای نظریه نای ماهیت قدرت نرم بر مبنای شکل دهی بر ترجیحات دیگران استوار است و این امر به گونه ای ناملموس و با استفاده از جاذبه های فرهنگی، ارزش ها و نهادهای سیاسی انجام می شود، اما قدرت نرم توانایی جذب کردن مبتنی بر رضایت است (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

باید توجه داشت که در بررسی نقش قدرت نرم در جامعه، محور کلیدی را منابع قدرت یک کشور تشکیل می دهند و منظور از منابع نیز قدرت ملی و درونی جامعه هستند که قدرت را به وجود می آورند. یعنی قدرت از آنها می تراود و شکل می گیرد، در ساختار جامعه شناسی، زبان یکی از منابع قدرت است، هم منبع قدرت نرم و هم منبع قدرت سخت می باشد، زیرا قدرت مبتنی بر جبر را به دنبال دارد و هم مشارکت مبتنی بر جذب را. از دیدگاه جوزف نای قدرت نرم در یک کشور می تواند از سه طریق بوجود آید، فرهنگ یک جامعه، آن بخش هایی که برای دیگران دارای جذابیت است، هنجارهای سیاسی که در داخل و خارج مورد توجه است و در آخر سیاست خارجی در صورتی که قانونی به نظر برسد (نای، ۱۳۸۹: ۵۱). آن گونه که نای مطرح می سازد می توان گفت که عوامل زوال قدرت نرم کاهش جذابیت های فرهنگی، شکل گیری تضاد بین ارزش های سیاسی با روح حاکم بر رفتار سیاست خارجی، و زوال مشروعیت ارزش های سیاسی و فرهنگی کشور مورد نظر در صحنه بین المللی به ویژه از دید افکار عمومی و شخصیت های تأثیرگذار بین المللی می باشد (جمشیدی و گهرویی، ۱۳۹۲: ۶۵). نای سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می داند: اول، مهارت هوش هیجانی است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران بوده. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید و سوم، مهارت های ارتباطی است که شامل مهارت های بیانی همچنین توانایی استفاده از وسایل ارتباطی غیر کلامی است (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). محور عمده مورد توجه صاحب نظران تأکید بر نقش و جایگاه ساختارهای معنایی، ایده ها، هنجارها و ارزش های بینذهنی مشترک در تحلیل سیاست بین الملل است. در حالی که واقعگراها بر ساختارهای مادی و نحوه توزیع قدرت در نظام بین الملل و مارکسیست ها بر ساختارهای مادی، و اقتصاد جهانی سرمایه داری به عنوان عوامل تعیین کننده رفتار دولت ها و کنش های آنها در عرصه

سیاست خارجی تأکید می کنند. در این راستا، آنچه ساختارهای اجتماعی بشری را شکل می دهد ایده ها و باورهای مشترک است نه نیروهای مادی، و از طریق این باورها مشترک است که هویت و منافع بازیگران به وجود می آید (افضلی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

فرهنگ در شرایطی آبخوری مهم، برای قدرت نرم است و نیز انگارهای از رفتارهای اجتماعی در سطوحی چندگانه، که معارف و ارزش ها از طریق آنها میان گروه ها جا به جا می شوند. برخی وجوه فرهنگ بشری جهانی اند، برخی ملی اند و برخی نیز مختص طبقات اجتماعی یا گروه های کوچک هستند. فرهنگ ایستا نیست و تعامل میان فرهنگ های مختلف به طرق مختلف صورت می گیرد (نای، ۱۳۹۵: ۱۹). تبیین اندیشه همبستگی جهانی برای صلح پایدار به جای اتحاد برای جنگ سرعت و عمق بخشیدن به جریان تولید اندیشه اسلامی و تأکید بر توسعه همراه با عدالت می تواند قابلیت های نرم افزاری فرهنگ غنی اسلامی را برای مدیریت تحول در عصر جهانی شدن ارتقاء بخشد (کبرایی زاده، ۱۳۹۰: ۲۰). بعد از انقلاب اسلامی ایران آمریکا تا کنون سه رویکرد در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است، قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند و قدرت نرم و هوشمند او بیشتر در غالب قدرت سخت خود را نشان داده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

۳. جایگاه عراق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

عراق در مقایسه با سایر کشورهایی همجوار با ایران، بیشترین اثر گذاری را بر امنیت و منافع سیاسی ایران دارد، که این امر ناشی از وجود اشتراکات دینی، مذهبی و وجود مرزهای طولانی بین دو دولت است. از این رو توجه به ساختار سیاسی حاکمیت در عراق، از اهمیت ویژه ای برای دولت جمهوری اسلامی ایران برخوردار می باشد. و عراق از جهات گوناگونی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است الف: تحولات داخلی کشور عراق نقشی مهم در مسائل سیاسی، امنیتی در موضوعاتی مانند تروریسم، حفظ امنیت مرزی و سرزمینی ایران دارد. ب: مشترکات دینی و مذهبی و فرهنگی، وجود اماکن مقدس مذهبی و حوزه های علمیه، به عنوان مهمترین پایگاه های علمی مکتب تشیع، موجب اهمیت کشور عراق برای ایران شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳۵).

۴. ابعاد سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق

ارزش های سیاسی: جمهوری اسلامی ایران به دنبال ترویج ساختارها و فرایندهای مردم سالاری دینی به عنوان یک راهبرد برای کمک به تحکیم دائم ندای شیعه در کشور عراق بوده است. این اهداف عبارتند از ثبات سیاسی ایران، در عراق است که قدرت نرم خود را در این کشور تثبیت می کند. بنابراین هدف ایران توسعه یک راهبرد هوشمند موفق از طریق استفاده از قدرت نرم، مذهبی و فرهنگی است.

سیاست خارجی: کسب موقعیت برتر به عنوان بزرگترین کشور منطقه با پیشینه و غنای تاریخی کهن و موقعیت استراتژیک، ایران در عراق برای اعمال سیاست های مطلوب و منافع مشترک دو کشور است.

فرهنگ ایرانی: فرهنگ ایرانی در صورت بهره‌مندی از ویژگی جذابیت خارجی می‌تواند به عنوان منابع فرهنگی مولد قدرت نرم تلقی شوند که بارزترین مصداق در این زمینه جشن نوروز است. به عنوان باستانی‌ترین جشن تمدن بشری ریشه‌ای ایرانی دارد.

مذهب شیعه: از نگاه جغرافیای مذهبی، نفوذ ایران بر جهان تشیع، اساساً در کشورهای شیعه اعمال می‌شود این نفوذ به در کشورهای که شیعه دوازده امامی هستند از شدت خاصی برخوردار بوده است. زیرا در این کشورها مرجعیت، شیعه را به شکل نهادینه درآورده و این امر با ایرانی شدن، روحانیت شیعه مستقر در خارج از کشور ظاهر می‌شود، نمونه بارز این امر کشور عراق است (نادری دوست، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

نقش مرجعیت: وجود مراجع تقلید شیعه در ایران نقش و تأثیرگذاری بیشتری در عراق دارد. به عنوان نمونه می‌توان به حضور آیت الله سیستانی از مراجع بزرگ و مهم تشیع در این کشور اشاره کرد. این مرجع عالیقدر در ایران متولد شده و تحصیلات اولیه را در این کشور گذرانده است. تحصیلات و آموزش خود را نیز در ایران طی کرده است، و تاکنون هیچگاه حاضر به ملاقات با مقامات آمریکایی نشده است.

دیپلماسی عمومی: بر این اساس، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از فرآیندی که از طریق آن ارتباطات و روابط مستقیم با مردم یک کشور خارجی برقرار می‌کند تا منافع ملی را توسعه و تأمین نماید و ارزش‌های خود را در آن جامعه اشاعه و گسترش دهد. یا به بیان دیگر، فرآیند ارتباط جمهوری اسلامی با عموم مردم کشورهای دیگر جهت شناساندن ایده‌ها، ایدالها، آرمانهای ملی، معرفی نهادها، فرهنگ و تبیین اهداف و سیاست‌های خود می‌باشد. لذا

می توان به دیپلماسی ایران نیز به عنوان منبعی که نقش مهمی در میان افکار عمومی عراق ایجاد کرده، است. قربات جغرافیایی ایران با کشور عراق به چند طریق فرصتی مناسب برای دیپلماسی عمومی آن به وجود می آورد:

۱. امکان تأثیرگذاری بیشتر برای فرهنگ ایرانی و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در این کشور وجود دارد.
۲. مراودات فرهنگی بین دو کشور آسانتر شده و هزینه ها کاهش می یابد.
۳. در اثر قربات جغرافیایی، مسائل و مشکلات فرهنگی بروز می کند که زمینه همکاری دو دولت در حل و فصل آنها می باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

۵. اهداف سلبی قدرت نرم

به هر شکل در بحث شاخصه های سیاسی قدرت نرم ایران، تلاش خواهد شد به ابعادی پرداخته شود که بیشترین تاثیر را، در بیرون از مرزهای ایران، به عنوان یک پدیده جذاب داشته است و این امر بدین معنی نیست که نمی توان ابعاد دیگر را برای قدرت نرم ایران در نظر گرفت.

چشم انداز ایدئولوژیک: شاید در عصری که عده ای شعار پایان حیات ایدئولوژی های غیرلیبرالی سر می دهند و در انتظار یکپارچه ساختن ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جوامع جهانی می باشند، ایدئولوژی که توانسته به طور جدی در مقابل جریان حاکم مقاومت کند و انگاره های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی لیبرال دموکراسی را به چالش بکشد. چرا که اسلام تنها دین بزرگ یکتاپرستی است که نه تنها باورهای معنوی، بلکه مجموعه ای از قواعد برای حکومت عرضه می دارد، اکنون اسلام گذشته از مبارزه برای کسب جایگاهی در نظم جدید جهانی، با تحولاتی بنیادین رو به رو است که می توان آن را نقطه عطفی در تاریخ دانست (دهقان، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست های انقلاب اسلامی رامی توان چهره ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزش هایی نظیر مردم سالاری دینی و کمک های بشردوستانه به نهضت های رهایی بخش و ارتقای توانمندی های علمی و فرهنگی کشور را می توان

درزمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. قدرت نرم از آنجاکه به صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند از اثرگذاری بیشتر و مداوم‌تری برخوردار است، چراکه می‌تواند با تفسیر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات بنیادی نو راهبردی یاری رساند. قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یاتوانایی تهییج ملت هابوده است (دهشیری، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

معنویت‌گرایی در سیاست: مطرح ساختن دین و الگوی حکومت مبتنی بر آموزه‌های اسلام به وسیله جمهوری اسلامی ایران، روزنه‌های امید را در مسلمانان به وجود آورد و امروزه در هر کشور مسلمانی که انقلاب و تغییر اساسی رخ می‌دهد، یکی از گزینه‌های مطرح در نظام سیاسی جدید آنان، مدل حکومتی مبتنی بر آموزه‌ها و اصول اسلامی است. این موضوع متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است، با توجه به جنبش‌ها و انقلاب‌های که در منطقه رخ داده است، کشورهای غربی نیز اذعان دارند که خاستگاه این انقلاب‌ها اسلام و انقلاب ایران است. در نتیجه می‌توان گفت، جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه نقش مهمی ایفا کرده است. در حقیقت، معنویت‌گرایی انقلاب اسلامی در نقاط مختلف دنیا محور سوداگرها به چالش کشید. از همان ابتدا آمریکایی‌ها تأکید داشتند که ارجحیت‌های آمریکا مبتنی بر حفظ جریان آزادنت از خلیج فارس، مهار کردن نفوذ روسیه و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است. پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر فقط یک مسأله‌ی استراتژیک متعارف نیست. مسئله‌ی امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب رابه لرزه انداخته است (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۱۴).

موقعیت استراتژیکی ایران: شکل و موقعیت مرزهای ایران با کشورهای همسایه و قرار گرفتن این کشور در حوزه مناطق استراتژیکی، جایگاه ویژه‌ای به آن بخشیده است. ایران از نظر جغرافیایی در منطقه‌ای واقع شده که دو حوزه انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر را به هم متصل می‌کند. حدود دو سوم سواحل خلیج فارس کیلومتر ۱۲۷۵ متعلق به ایران است. از لحاظ موقعیت استراتژیکی باید گفت که ایران به سه دریا یعنی خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر دسترسی دارد. دسترسی ایران به خلیج فارس یک موقعیت ژئواستراتژیکی به آن بخشیده است. ایران تمام نفت خود را از خلیج فارس و تنگه هرمز صادر می‌کند. حدود ۸۰ درصد تجارت داخلی ایران نیز از این راه صورت می‌گیرد. به همین دلیل

از آغاز دهه ۱۹۷۰ با افزایش تولید و صادرات نفت ایران، تنگه هرمز شاه‌رگ حیاتی اقتصاد ایران نامیده شد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۵).

۶. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاستی بن‌گرایانه آن، به وسیله‌ی آموزه‌های دینی و مذهبی تهیه شده بود و از طرفی دیگر به علت تشابهات ساختاری منطقه خاورمیانه و جهان اسلام از لحاظ سیاسی و فرهنگی، الگوی جدید سیاست جمهوری اسلامی ایران، در سطوح مختلف، کشورهای منطقه را تحت تاثیر قرار داد. به عنوان مثال، این پدیده برای ملتهای منطقه دارای جاذبه بود، در حالی که به علت زیر سوال بردن ساختارهای سیاسی منطقه، برای دولت‌ها به عنوان تهدید جلوه‌گر نمود. که بیشترین تاثیر را، در بیرون از مرزهای ایران، به عنوان یک پدیده جذابیت داشته است.

امروزه جمهوری اسلامی ایران، پرچم دار الگویی جدید از اندیشه و عمل در خاور میانه است که توانست نظریه صلاحیت و کارآمدی دین را در تأسیس بنیان و استقرار منابع نوین و متنوع قدرت، نمایندگی و هدایت کند، ریشه این مساله به بنیان‌های انقلاب باز می‌گردد به عنوان انقلابی برای دین، معنویت و ارزش‌ها نه تنها ریشه در اعتقاد اسلامی دارد، بلکه محرک و هدف خود را نیز در آن جستجو می‌کند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان منطقه خاور میانه تقویت کند، و با طرحی نوین نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری غرب بر اساس سیاست نه شرقی و نه غربی بارقه امید را در دل میلیون‌ها مسلمان بیدار نگه دارد، از این دیدگاه، وجود انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی قدرت نرم به معنای توانایی جذب دیگران بدون تهدید دانست، از این رو، استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که در برگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی است (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۶).

در حالی که برای اعمال قدرت نرم زمانی می‌توان از وجود منابع سخن گفت که به صورت بالقوه امکان و توانایی تاثیر و جذب مردم سرزمین‌های دیگر را داشته باشد برای نمونه، حس عدالت خواهی که برخاسته از فرهنگ شیعی و ایرانی است می‌توان منبع قدرت نرم محسوب شود. و می‌تواند موضوع جذب دیگران یا مخاطبان واقع شود لذا بعد فراملی

دارند، از این حیث، هر ظرفیت و توان بالقوه و قابل تحقیقی که می تواند دیگران را به گونه ای مجذوب سازد که خواست یک دولت را خواست خود بدانند، منبع قدرت نرم محسوب می شود (حجازی، ۱۳۸۷: ۴).

حوزه فرهنگی و دینی: فرهنگ مجموعه ای از ارزش ها و عملیاتی است که مفهوم و معنای یک جامعه را می سازد. زمانی که فرهنگ هر کشوری شامل ارزش های جهانی و یا منطقه ای باشد، و سیاست های آن ترویج ارزش ها و علایق بین دیگران باشد، به علت روابط جذب و ایجاد جاذبه، احتمال کسب نتایج مطلوب افزایش می یابد. دین مجموعه باورهای بنیادین جامعه و کنش های مبتنی بر آنهاست فرهنگ مجموعه ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادات، ارزش ها و نمادهایی تلقی می شود که از طریق جامعه پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند (قوم، ۱۳۸۴: ۲۹۳). فرهنگ شامل مجموعه ای از ارزش های ایرانی اسلامی است که مردم ایران در آن سهیم بوده و به درستی، مطلوبیت و جهان شمولی آنها باور دارند. از این حیث، در خصوص عراق نیز باید یادآور شد، که این سرزمین به لحاظ تاریخی و فرهنگی، ارتباطی قوی و گسترده با ایران داشته است، بین النهرین به مدت هزاران سال، پاره ای از حوزه تمدنی ایران محسوب می شده است (بلداجی، ۱۳۸۴: ۲۸۶). انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب ها محسوب می شود که آشکارا دین اسلام را به عنوان قانون اساسی خود برگزیده است. یکی از عوامل بنیادین در عراق، مذهب تشیع است و ایران حامی اصلی تشیع محسوب می شود (زین العابدین، ۱۳۸۶: ۳۳). مهم ترین تحول گفتمان شیعه در قرن بیستم، تحول از سیاست گریزی و تمایل به ضرورت دخالت در مسائل سیاسی با هدف تشکیل حکومت دینی است.

از این رو، گفتمان ولایت فقیه گفتمان سیاسی غالب شیعه است که با پیروزی انقلاب اسلامی به گفتمان حاکم تبدیل شد (جمالی، ۱۳۸۶: ۱۰). در همین ارتباط، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نمونه ملموس و عینی را برای الگوسازی مطرح کرد، که حرکت جنبش شیعی کشور عراق نشأت گرفته انقلاب اسلامی ایران است (نجفی، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

انقلاب اسلامی، براساس زیرساخت ها و الزامات فکری و فرهنگی سند چشم انداز بیست ساله نظام، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه و تقویت و تحکیم ارزش های اسلامی و اخلاقی که حوزه های فردی و اجتماعی و همچنین برجسته سازی مستمر و همه جانبه به اندیشه های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی در حوزه های تصمیم سازی و تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرایی دستگاه های نظام جمهوری اسلامی بویژه سازمان ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی و اصلاح نوسازی نظام آموزشی

و تعلیم و تربیت کشور و تعمیق تفکر و فرهنگ بسیجی در زمره اولویت های نرم افزاری نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می گردد. قدرت نرم افزاری انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری فرهنگد امام خمینی، وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانیایی محور، جنبش نرم افزاری و سیاست فرهنگی اشاره کرد (دهشیری، ۱۳۹۰: ۱۱۲). از سوی دیگر نقش تشیع و رهبران مذهبی به عنوان یکی از متغیرهای اساسی در کشور عراق و تحول سیاسی این کشور محسوب می شود (غلامی قمی، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

عبات عالیات و اماکن مذهبی: عراق، اصلی ترین مرکز شیعه در طول ده قرن نخست اسلام بوده است. شهرهای که دارای مذهب شیعه هستند، تحولات سیاسی عمیق در عراق هنوز هم به تصمیم گیری ساکنان آنها بستگی تام و تمام داشته باشد. تشیع عراق به طور عمده در این شهرها ساکن بوده وجود این شهرها با دارا بودن اکثریت شیعه می تواند وزنه ای مناسب در تحقق طرح های اسلامی و شیعی مورد نظر و پیروی از جمهوری اسلامی ایران داشته و در راستای تحقق ارزش های انقلاب اسلامی به کار گرفته شود (مریجی، ۱۳۸۷: ۱۳).

حوزه های علمیه و مرجعیت دینی: شهر نجف به عنوان مرکز مذهب تشیع در عراق بوده، و پایگاه اصلی تشیع، شناخته شده است. روابط مداوم مراکز اندیشه و دانش دو کشور ایران و عراق، یعنی نجف و قم موجب شده که ایرانیان، تأثیری فراوان بر مردمان عراق داشته باشند، از سوی دیگر، وجود مراجع، علمای دین در کشور عراق و به ویژه در شهرهای شیعه نشین، موجب گسترش نفوذ ایران شده است. لذا اغلب، حرکت های اعتراض آمیز نسبت به حضور بیگانگان یا ضد حکومت، به رهبری مراجع دینی با حمایت جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد (غلامی قمی، ۱۳۸۶: ۱۷۱).
و مهم ترین قطب سیاسی در عراق مراجع این کشور بوده، البته پس از انقلاب اسلامی ایران، حوزه علمیه شهر نجف، تحت الشعاع مرکزیت حوزه قم قرار گرفت، هر چند این وضعیت پس از سال ۲۰۰۳ میلادی و حضور آیت سیستانی تا حدود زیادی به حالت اولیه بازگشت و در هر حال وجود هر دو حوزه و وجود علما، طلاب دو کشور ایران و عراق از مهم ترین منابع قدرت نرم برای ایران محسوب می شوند، منبع قدرت مراجع عراق که در عین حال باعث ایجاد و افزایش قدرت نرم ایران خواهند شد (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۷۲ تا ۲۷۸).

انقلاب اسلامی ایران نقشی بسیار مهم را ایفا نموده، یعنی به نوعی به احیا و بازسازی هویت ایرانی در منطقه خاور میانه پرداخته است. انقلاب اسلامی ایران با هویتی دینی شناخته شده و پیوندی ناگسستنی با مذهب تشیع و اندیشه‌های آریایی ایرانی به عنوان زمینه ساز شکل‌گیری آن دارد (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

عدالت طلبی: از منظر جمهوری اسلامی ایران، راه تحقق عدالت در عراق در اعمال حاکمیت قانون، تساوی تمامی قومیت‌ها در برابر آن، توزیع صحیح منابع و امکانات و فرصت‌های سیاسی است. با توجه به ساختار قومیتی عراق، از جمله نیازهای واقعی دولت عراق محسوب می‌شود. ایران با سابقه درخشان خود در عرصه عدالت و عدالت‌گستری اکنون با حمایت‌های همه‌جانبه خود برای ایجاد عدالت در این کشور و تبدیل این موضع به یک سنت، ضمن ارائه الگوی عینی و موفق از مسیر عدالت محوری، در ارائه مفاهیم و راهکارهای اجرایی و عملی‌گسترش دادگری در عراق تشنه عدل و عدالت نیز موفق عمل است.

مردم‌سالاری دینی: مردم‌سالاری دینی، در نظام اسلامی ایران ریشه دارد و عناصر آن بر دو پایه تعریف شده اند یکی جمهوریت و دیگری اسلامیت یعنی ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن، جمهوری اما محتوای آن، اسلامی است مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی در این خصوص ترکیب جمهوریت با اسلام است و تأثیرات مهمی در اجماع جامعه کشور عراق داشته است (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۹۲). با توجه به زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی و مذهبی مشترک میان دو کشور ایران و عراق مردم‌سالاری دینی به عنوان رقیبی جدی در مقابل تفکر لیبرال دموکراسی آمریکا این ظرفیت را دارد که سبب جذب و اقناع عموم مردم عراق شود (دهشیری، ۱۳۸۵: ۴۲).

احزاب سیاسی و طیف‌های فکری: هدف اصلی دولت جمهوری اسلامی، از همان آغاز به کار حکومت عراق، تبلیغ و گسترش اسلام سیاسی بوده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۴۷). یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت از احزاب و جنبش‌های عراقی، گسترش معارف و اندیشه‌های انقلابی و دفاع از مردم تحت ستم حزب بعث صدام حسین بوده، که با پیروزی انقلاب اسلامی، واحد نهضت‌های آزادی بخش انقلاب اسلامی عهده دار کمک به گروه‌های عراقی مخالف رژیم صدام شد. جماعت العلماء عراق این حزب در ۱۹۵۸ ایجاد شد اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امیدی تازه و راهی جدید در فعالیت‌های آن آغاز شد، به طوری که برخی از علمای این حزب به دستور سید محمدباقر صدر مأمور شده تا به

ایران مهاجرت کنند، سازماندهی، ارتباط و آموزش نیروهای عراق را در داخل ایران بر عهده بگیرند (فولر و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

۷. راهبرد قدرت نرم ایالات متحده آمریکا در عراق

بر این اساس عراق، نقطه آغاز و کانون راهبردها و سیاست های کلان ایالات متحده در خاورمیانه را از سال ۲۰۰۳ تشکیل داده است. مجموعه اهداف و منافع آمریکا از حمله و تداوم حضور در عراق طی سال های پس از ۲۰۰۳ را به ترتیب ذیل دسته بندی نمود:

اهداف ایجابی: به آن دسته از منافع گفته می شود که آمریکا سعی در حفظ، عدم از دست دادن و ایجاد آنها دارد که عبارتند از:

تأمین امنیت اسرائیل: از آنجا که بین ایالات متحده و اسرائیل اتحادی منحصر به فرد و همکاری دائمی به منظور مقابله با تهدید استراتژیک در خاورمیانه برای حفظ منافع هر دو کشور وجود دارد. از این رو به وجود آوردن محیطی امن برای اسرائیل توسط ایالات متحده آمریکا به عنوان انگیزه ای حیاتی آمریکا در عراق محسوب می شود. بر این اساس ایالات متحده تصمیم گرفت به منظور افزایش امنیت اسرائیل، عراق را به متحد اصلی خود در منطقه تبدیل کند.

کنترل و دسترسی پایدار به نفت: بسیاری از محققان معتقدند که آمریکا برای حضور در عراق در پشت صحنه، تمایل به کنترل ذخایر نفت عراق به منظور تضمین انرژی آینده می باشد. از این رو ایالات متحده برای پیدا کردن منابع انرژی قابل اعتماد به منظور کاهش وابستگی به عربستان سعودی، که می تواند در درازمدت غیر قابل اعتماد و فاقد ثبات باشد

تبدیل آمریکا به قدرت هژمون در منطقه: بنابراین بخش بزرگی از استراتژی ایالات متحده و دولت بوش از حمله و حضور در عراق بری حفظ تسلط و هژمونی جهانی خود می باشد. در واقع تثبیت و استمرار قدرت هژمون ایالات متحده در دهه های پیش رو با هدف نشان دادن قدرت خود به سایر کشورهای رقیب مانند اتحادیه اروپا و چین همراه بوده است که سعی دارند با یک جانبه گرایی ایالات متحده در سطح نظام بین المللی مقابله کنند و خود را به عنوان بازیگران کلیدی به رخ آمریکا بکشانند.

اهداف سلبی: این اهداف در واقع اشاره به نقاط آسیب پذیر یا تهدید آمیزی دارد که می بایست مرتفع و جلوگیری شوند. تهدید سبز: تهدید سبز نامی است که استراتژیست های آمریکایی در مقایسه به تهدید سرخ کمونیسم، به بیداری اسلامی در جهان اسلام نهاده اند. تهدید سبز بیشتر با عنوان تروریسم مطرح می شود که از نظر کارشناسان و مقامات آمریکا، منافع حیاتی آمریکا را در معرض خطر قرار داده است. از این رو آمریکا در صدد بسترهای ایجاد کننده تهدید سبز را با رفرم سیاسی و ایجاد تغییرات اقتصادی و فرهنگی دفع نماید.

جلوگیری از ظهور قدرت های ضد آمریکایی در عراق و منطقه: هدف کلان آمریکا بر پایه ایجاد نظام تک قطبی و مبارزه بی امان علیه تمامی رقبای اقتصادی و سیاسی خود است اما با توجه به انگیزه های روسیه برای گسترش و نفوذ در خاورمیانه و منابع فراوان انرژی عراق برای چین می توان گفت این دو کشور به احتمال زیاد در پی افزایش نفوذ خود در عراق هستند، این روند می تواند برای آمریکا تبعات زیادی به همراه داشته باشد. از این رو احتمال نزدیکی عراق به این دو قدرت بزرگ می تواند تهدیدهای مهمی در آینده برای آمریکا در قبال عراق را رقم بزند.

مهار ایران: آنها معتقدند عدم تمایل ایران به تعهدات عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی تهدیدی برای منافع ایالات متحده در ثبات منطقه، امنیت اسرائیل می باشد. علاوه بر این معتقدند حمایت ایران از سازمان های افراطی خشونت در عراق، لبنان و غزه موجبات تسهیل تروریسم و کمک به پیش برد بی ثباتی در منطقه را فراهم کرده است (نوازی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

ایالات متحده آمریکا برای اینکه به منافع خود در عراق جامعه عمل بپوشاند راهبردهایی را تنظیم نموده که در این کشور دنبال می کند: ۱. دموکراسی سازی. ۲. حفظ امنیت انرژی. ۳. ترویج لیبرال دموکراسی در منطقه. ۴. روی آوردن حکومتی سکولار، دموکراتیک و متحد غرب در عراق. (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۵).

۸. قدرت نرم ایالات متحده آمریکا در عراق

قدرت نرم و برنامه‌های فرهنگی آمریکا در عراق را به صورت مختصر در دو حوزه‌ی برنامه‌های علمی آموزشی و برنامه‌های هنری بررسی می‌شود. همان‌گونه که اشاره خواهد شد، این برنامه‌ها ابزارهای مؤثر و قدرتمندی برای اعمال قدرت نرم آمریکا بوده که تغییرات فرهنگی را در عراق به دنبال خواهد داشت.

برنامه‌های علمی و آموزشی: یکی از رایج‌ترین این ابزارها در این میان برقراری تماس‌های مستقیم فرهنگی و برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی، از جمله بورس‌های تحصیلی و اردوهای کوتاه‌مدت و دوره‌های آموزش زبان و تبادل استادان و متخصصان است. به اهمیت مبادله‌ی آموزشی به منزله‌ی جنبه کلی سیاست‌های ملی و خارجی در سال‌های اخیر، به بهترین وجه، از سوی چندین گزارش از ایالات متحده، فرانسه، آلمان، بریتانیا اشاره شده است.

برنامه‌ی تبادل رهبران جوان عراقی در میان برنامه‌های فرهنگی ایالات متحده در عراق یکی از برنامه‌هایی است که در حوزه‌ی نخبگان مورد توجه قرار گرفته و به اجرا درآمده است. تربیت جوانان برای آینده‌ی عراق و تقویت ارتباط بین حکومت آمریکا با ساختار سیاسی عراق، ایجاد یک کادر از جوانان در عراق و ایالات متحده آمریکا که واجد حس قوی از مسئولیت مدنی باشند، تعهد به توسعه‌ی اجتماعی، آگاهی از مسائل جاری و جهانی، مهارت‌های رهبری فردی، تمایل به پرورش روابط در میان جوانان از گروه‌های مختلف قومی و مذهبی و ملی در عراق از جمله اهداف اعلامی این برنامه است. (گوهری مقدم و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

آموزش زبان انگلیسی: بنابراین، می‌توان گفت فرهنگ زبان است و زبان روح کشوری است که به آن زبان صحبت می‌کنند. بر این اساس و با رویکردی سیاسی، می‌توان به هدف اصلی کشورها در آموزش زبان خود به دیگران، که همانا انتقال فرهنگ و گسترش ارزش‌های فرهنگی خود است، پی برد. به عبارت دیگر، هدف اصلی آمریکا در زمینه‌ی آموزش زبان معطوف به گسترش فرهنگ است و زبان از مؤثرترین و کارآمدترین ابزارها در این میان محسوب می‌شود. از دیگر برنامه‌های فرهنگی آمریکا در عراق آموزش زبان انگلیسی است، این برنامه از سوی مؤسسات و نهادهای آمریکایی دنبال می‌شود. یکی از این مراکز مؤسسه آمیدست است. این مرکز فعالیت‌های متنوعی را در کشورهای خاورمیانه انجام می‌دهد. آمریکا برای گسترش زبان انگلیسی، با شرکت‌های تجاری و نیز آژانس‌های عمومی، که خواستار فراگیری زبان انگلیسی به کارمندان خودند، همکاری می‌کند و مهارت‌های تجاری و کسب و کار لازم را برای جوانان و غیر جوانانی که تلاش

دارند تا به بازار کار وارد شوند فراهم می‌سازد. این برنامه امکان می‌یابد تا با فرهنگ آمریکای و ارزش‌های دموکراتیک آشنا شوند. این برنامه کمک می‌کند تا توانایی افراد برای مشارکت موفق در برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی مربوط به کشور افزایش یابد (همان، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

تأسیس دانشگاه آمریکای در عراق: دانشگاه‌های آمریکای با منتقل کردن ارزش‌های ماندگار خود، که فراتر از عبارت‌های پر رنگ و لعاب اما زودگذری هستند که دولت‌ها گاه‌به‌گاه در قالب دیپلماسی عمومی به میان می‌آورند، مخاطبان مدنظر خود را تربیت می‌کنند. گروهی از نخبگان آمریکای طی همکاری مشترک با مسئولان اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۰۶ م دانشگاه آمریکای سلیمانیه را در شمال عراق تأسیس کردند. این دانشگاه را وزارت آموزشی عالی دولت منطقه‌ای کردستان به دانشگاه خصوصی درجه‌ی یک کردستان عراق به رسمیت شناخته است. هدف از تأسیس این دانشگاه فراهم کردن زمینه‌های آموزشی برای دانشجویان مستعد و ممتاز عراقی است. از این رو، دانشجویان ممتاز در این دانشگاه فارغ از در نظر گرفتن ملاک‌های دینی و وابستگی‌های سیاسی و مذهبی پذیرفته می‌شوند. آموزش اساسی و گسترده‌ی دانشگاه ریشه در یک سنت لیبرال آمریکای دارد و نیز از گسترش مهارت‌ها از طریق تدریس عالی، بورسیه‌ی خوب، توجه به خدمات دانشجویی بهره می‌برد. آنچه را که دانشگاه ارزش‌های اساسی تعریف کرده آزادی، مسئولیت، دموکراسی، آزادی بیان، فرصت یکسان، حقوق، رفتارهای حرفه‌ای و شخصی پسندیده است.

توان‌مندسازی زنان برای مشارکت‌های اجتماعی: کشورهای غربی نیز، با در نظر گرفتن اهمیت زنان، اقدام به سیاست-گذاری ویژه‌ای برای این قشر کرده‌اند. در این میان، آمریکا در پی دستیابی به اهداف خود در ابعاد فرهنگی و اجتماعی در حوزه‌ی کشورهای جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه از توجه به زنان مسلمان غفلت نکرده و برنامه‌های متنوعی را در قالب ارائه‌ی خدمات آموزشی و افزایش مهارت‌های آنان انجام می‌دهد. این در حالی است که ایالات متحده، ضمن برنامه‌های متنوع، آموزش‌های را ارائه می‌کند که از اقتضائات زندگی غربی است. برای مثال، آموزش مفاهیمی از جمله حقوق زنان با رویکرد لیبرالیستی و ترویج نگاه‌های فمینیستی در جوامع اسلامی از این مفاهیم است که در بلند مدت موجب تغییر افکار زنان و در پی آن تغییر سبک زندگی جوامع می‌شود (همان، ۱۳۹).

برنامه‌های هنری: دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا همواره از هنر برای بهبود چهره‌ی این کشور استفاده کرده است. هنر ابزاری است که فراتر از دولت‌ها به تمام تالارهای، اجلاس‌های رسمی و کاخ‌های ریاست جمهوری می‌رود و بین مردم سراسر جهان ارتباط برقرار می‌کند و ابزاری کارآمد برای انتقال فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود. مثلاً رقص در فرهنگ غربی رایج است، اما در ضدیت با ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی است و به نوعی موجبات انحطاط ارزشی جامعه را فراهم می‌سازد. در این میان و با شناختی که آمریکای‌ها از ارزش‌های اسلامی دارند، با هدف تغییر فکر جوانان و تبلیغ فرهنگ آمریکای، برنامه‌های ویژه‌ای را در کشورهای اسلامی اجرا می‌کنند.

سیاست‌های مهاجرتی: فرهنگ ایالات متحده ترکیبی است از فرهنگ‌های گوناگون که در آن هیچ فرهنگ و عقیده‌ای غالب و مسلط نمی‌باشد. ایالات متحده در طول حیات سیاسی خود نشان داده که ظرفیت بالایی در پذیرش فرهنگ‌های گوناگون دارد و در مدیریت این فرهنگ‌ها و عقاید موفق بوده است. این خاصیت چند فرهنگی آمریکا باعث شده تا مهاجران زیادی از اقصی نقاط دنیا به این کشور مهاجرت کنند. و با همه تفاوت‌های نژادی، مذهبی، ملیتی و اصول اخلاقی در کنار هم زندگی کنند.

یکی از نتایج چنین فضایی در ایالات متحده آمریکا، جذب دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های این کشور می‌باشد. برنامه‌های تبادل آموزشی و همکاری‌های علمی، بخش دیگری از راهبردهای اعمال قدرت نرم ایالات متحده در کشورهای منطقه خاورمیانه علی‌الخصوص عراق به شمار می‌آید. چنانچه بسیار پیش از این نیز نظریه پردازان آمریکایی، پذیرش دانشجویان عرب در دانشگاه‌های این کشور را به عنوان راه حلّ مقابله با نارضایتی و سرکشی کشورهای خاورمیانه‌ای در برابر توسعه طلبی‌های آمریکامطرح کرده بود (Department of State Transcript, ۱۹۵۲).

۹. میزان نقش ایران در استفاده از قدرت نرم در عراق

یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی در کشور عراق، دیپلماسی عمومی می‌باشد که میزان ضریب تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی را در این کشور افزایش داده است. فرهنگ پویا و استوار ایران که قرن‌های متمادی در معرض تجاوزات و یورش‌های وحشیانه بیگانگان بوده است با ظهور و حضور اسلام در ایران پیوند ابدی یافت تا بتواند در طول تاریخ همچون دو بازوی استوار و توانمند، و سپری قوی در برابر هر گونه تجاوز و زیاده‌خواهی بیگانگان در دست اندازی به خاک این مرز و بوم ایستادگی نمایند. در این میان می‌توان به دیپلماسی علمی، توریسم مذهبی، برگزاری همایش‌ها و حضور مقامات عالی رتبه و نخبگان دو کشور، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در عراق، تأسیس دفتر همکاری‌های علمی و فرهنگی ایران و منطقه کردستان عراق در تهران، انتشار کتب و محصولات نوشت افزاری، کانال‌های خبری، سفیران فرهنگی و غیره به عنوان منابع دیپلماسی قدرت نرم ایران در عراق اشاره داشت که جمهوری اسلامی ایران از این منابع برای افزایش تأثیرگذاری خویش در عراق استفاده نموده است. البته میزان کارآمدی و تأثیرگذاری مؤلفه‌های دیپلماسی قدرت نرم ایران در عراق، یکسان نیست و برخی از این جنبه‌ها از موقعیت بهتری برای بازتولید قدرت نرم برخوردار هستند و بر روی برخی از منابع قدرت نرم، سرمایه‌گذاری‌های اندکی صورت گرفته است (رفیع و نیکروش، ۱۳۹۲: ۱۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه تحقیق، و نتایج بدست آمده از یافته‌ها، حاکی از آن است، که قدرت نرم ایران، ریشه در اسلام، فرهنگ، زبان فارسی، ارزش‌های مردم سالاری، دارد. افزایش قدرت نرم ایران، نیازمند شناخت و تلاش و استفاده آن در عراق با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این کشور است. بررسی وضعیت مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق نشان می‌دهد که عوامل طبیعی و یا غیر برنامه‌ای، همچون اسلام و مذهب تشیع، زبان فارسی و مهاجران بیشترین سهم از منابع نرم‌افزاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

دیپلماسی عمومی آمریکا در راستای افزایش قدرت نرم این کشور در عراق گروه‌های گوناگونی را هدف قرار داده است، از جمعیت محروم روستایی گرفته تا نخبگان اقتصادی و سیاسی، و دیگر عوامل مؤثر در اخذ تصمیم‌های محلی و

ملی در عراق. دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا با کنترل اطلاعات و با ابزارهای همچون کمک مالی، و پوسترهای تبلیغاتی، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مجله، کتاب، فیلم، موسیقی، تبادل استاد و دانشجو، گسترش صنعت گردشگری، بهره‌گیری از قابلیت‌های مهاجران، فعالیت‌های آموزشی و نیز ورود جدی به مباحث مذهبی به مثابه مهم‌ترین عامل قدرت نرم خود را در عراق اعمال می‌کند.

شکل‌گیری یک عراق نوین با ماهیتی متفاوت از قدرت و سیاست، چشم‌اندازهای سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی را در منطقه تغییر داده است. تحولات در عراق به دنبال خود چالش‌ها و فرصت‌های فراوانی را در حوزه‌ی امنیت و منافع ملی ایران به همراه داشته است. از جمله چالش‌های این تحولات می‌تواند به تداوم مشکلات ناشی از روند انتقال سیاسی و دولت‌سازی و روند نامنی و بی‌ثباتی در این کشور، شکل‌گیری یک ژئوپلیتیک جدید قومی، رقابت‌های قومی و هویتی در قالب تضادهای بین شیعه و سنی و همچنین شکل‌گیری رقابت‌های جدید منطقه‌ای میان ایران و کشورهای مهم جهان عرب و تداوم حضور نیروهای آمریکا در عراق اشاره کرد. بررسی تطبیقی موقعیت ایران با آمریکا به ویژه در شرایط حاضر جهانی و تحولات بین‌المللی مؤید برتری ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی در برابر آمریکا بوده و به دلایل عدیده که به برخی از آنها اشاره شد، زمینه‌ها و شرایط لازم را برای کسب قدرت معنوی و ارتقای محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه فراهم ساخته است. دیپلماسی فعال کشور طی چندسال اخیر به اتخاذ، احیاء و تثبیت سیاست‌های خاصی دامن زده که مجموعه‌ای تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و زدودن برخی ابهامات و در یک کلام کسب هژمونی فرهنگی کمک شایان توجهی کرده است. هدف اصلی این پژوهش تطبیق قدرت نرم ایران و آمریکا و مقایسه آن در ابعاد مختلف در کشور عراق است و این نوشتار در چارچوب نظریه قدرت نرم نظریه نای به بررسی و تطبیق قدرت نرم ایران و آمریکا در عراق پرداخته، و الزامات سیاست خارجی دو کشور در عراق تبیین و تشریح نموده که در مقابل، شکل‌گیری یک عراق نوین فرصت‌های فراوانی نیز در حوزه‌ی افزایش نقش منطقه‌ای ایران و روابط با قدرت‌های بزرگ فراهم کرده است. و با حضور عصر شیعی در رأس حکومت عراق، زمینه‌های تقویت نقش شیعیان در تأثیرگذاری در مسائل منطقه بیشتر شده است. لذا منابع شکل دهنده قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از همسویی و همخوانی ایدئولوژی فرهنگی بیشتری با ارزش‌های جامعه عراق نوین برخوردار بوده و در مقایسه با قدرت نرم ایالات متحده

آمریکا که در غالب رویکردهای لیبرال و ترویج ارزش های آمریکایی ترجمه می شود از باورپذیری بیشتری در عراق بعد از ۲۰۰۳ تناسب داشته است و قدرت نرم ایران در عقیم ساختن سیاست ها، منافع و اهداف راهبردی نرم آمریکا در عراق می باشد.

کتاب ها:

۱. جوزف اس ، نایی (۱۳۸۹)، قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه: محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
۳. جوزف اس، نای (۱۳۹۵)، آینده قدرت ، ترجمه: احمد عزیزی، تهران: انتشارات نشر نی.
۴. مریجی، شمس الله (۱۳۸۷)، مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۵. اسپوزینو، جان و همکاران (۱۳۸۸)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه: محسن شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۶. حسینی، حسن (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگتر در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
۷. نادری دوست، علی (۱۳۸۶)، شیعیان عراق نقش و جایگاه آن در ساختار سیاسی آینده عراق و تأثیر آن بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر آشیانه مهر.
۸. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات آوای نور.
۹. دهقان، حمید (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ، قم: نشر مدین.
۱۰. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیاست خارجی احمدی نژاد، تهران، شرکت انتشارات علمی؛ فرهنگی.

مقالات :

۱. مایلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۵)، «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره هفتم ، شماره ۳.
۲. کبرایی زاده، حسین (۱۳۹۰)، «بایدها و ضرورت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فلسطین»، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۱۷.
۳. جمشیدی، محمد حسین و همکاران (۱۳۹۳)، «جمهوری اسلامی ایران و عراق و تبیین کار برد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش های انقلاب اسلامی» دوفصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی جهان اسلام، دوره دوم، شماره ۱.

۴. نوارنی، بهرام و عبادی، زهرا (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اهداف و منافع راهبردی آمریکا در عراق نوین»، **دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل**، سال اول، شماره ۱.
۵. صادقی، سیدسعید و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۴.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس»، **فصلنامه سیاست**، دوره چهارم، شماره ۴.
۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، «فرهنگ بخش فراموش شده یا عنصر ذاتی روابط بین الملل»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال نوزدهم، شماره ۲.
۸. زین العابدین، یوسف (۱۳۸۶)، «منافع ملی ایران و ژئوپلیتیک نوین شیعه»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، سال پنجم، شماره ۱۹.
۹. نجفی، فیروز (۱۳۸۶)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش شیعیان عراق»، **پژوهش نامه تاریخ**، سال سوم، شماره ۲.
۱۰. غلامی قمی، مصطفی (۱۳۸۶)، «نقش شیعیان و رهبران مذهبی در تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در سده‌ی اخیر»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، سال پنجم، شماره ۱۷.
۱۱. قنبری، آیت (۱۳۸۱)، «منابع قدرت روحانیت شیعه در ایران»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال پنجم، شماره ۲۰.
۱۲. هرسیج، حسین و دیگران (۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت ساز ایران بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره سوم، شماره ۹.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۹)، «مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، **راهبرد یاس**، شماره ۲۱.
۱۴. فولر، گراهام (۱۳۸۳)، «شیعیان عراق»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، ترجمه: خدیجه تبریزی، سال دوم، شماره ۶.
۱۵. برنا بلداجی، سیروس (۱۳۸۴)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین چالش‌ها و فرصت‌ها و تهدیدها»، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، سال دوازدهم، شماره ۴۹ و ۵۰.
۱۶. قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷)، «راهبرد اوپاما در قبال جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه دین و سیاست**، شماره ۱۷ و ۱۸.
۱۷. جمالی، جلال (۱۳۸۶)، «حلال شیعی و هژمونی آمریکا»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، سال پنجم، شماره ۲۰.
۱۸. گوهری مقدم، ابوذر و جعفری هرنندی، امیررضا (۱۳۹۳)، «مؤلفه دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در عراق جدید»، **دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱.

۱۹. واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «نقش قدرت های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش های هژمونی آمریکا»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۶.

گزارش :

۲۰. حجازی، حسین (۱۳۸۷)، «ظرفیت های قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا»، گزارش جمهور، شماره ۲۶ و ۲۷.

منابع لاتین:

۱. Nye, Joseph s. (۲۰۰۸), "Joseph Nye on Teaching America to be more British", Available at: <http://www.theory-talk.org/۲۰۰۸/۰۵/theory-talk-۷.html>.

۲. Nye, Joseph s. (۲۰۰۲), **The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't goes it alone**, New York, Oxford University Press.

۳. Nye, Joseph S. (fall, ۱۹۹۰); "Soft power", **Foreign Policy**, ۸۰ (۳).

۴. **Department of State Transcript** (۱۹۵۲), "Working Group on Special Materials for Arab and other Moslem Countries", ۱ April [National Archives , Record Group ۵۹, Records of the Department of State, Decimal Files, ۱۹۵۰-۱۹۵۴].